

نقش زن در استحکام خانواده اسلامی

سلیماتو جلو، رقیه بهادر^۲

چکیده

یکی از اساسی‌ترین و ارزشمندترین راهکارهای پایداری و استمرار ارزش‌های اخلاقی و دینی در جامعه تقویت و تحکیم بنیان خانواده است. از سوی دیگر زن به عنوان الگوی همسرانه و مادرانه در خانواده مطرح است. زن است که راهبرنده، تنظیم‌کننده و جهت‌دهنده حرکت خانواده در سبک و مدل زندگی است و اخلاق و عملکرد و حتی نگرش او سایه‌گستر بر همسر و فرزندان خویش خواهد بود. اهمیت این مسئله سبب می‌شود تحصیل معرفت نسبت به تأثیر زن در استحکام خانواده و تأثیر خانواده در تداوم سلامت اجتماع و فرایند شکل‌گیری این چرخه از ضروریات به حساب آید و محققین را در بررسی آن مصمم کند. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی به کنکاشی درباره نقش زن در استحکام خانواده اسلامی می‌پردازد. از مهمترین عوامل استحکام خانواده، ایمان به خدا، مدیریت اقتصادی خانواده، عفو و گذشت، پرهیز از کینه‌توزی، پرهیز از سوء ظن، احترام متقابل و مشورت است. زن قادر است با همسررداری نیکو، حسن خلق، رازداری و قناعت و عدم منت‌گذاری بر همسر موجبات استحکام خانواده را فراهم کند.

واژگان کلیدی: زن، استحکام، اسلام، خانواده، خانواده اسلامی.

۱. مقدمه

خانواده عمومی‌ترین نظام اجتماعی است که براساس ازدواج بین مرد و دست کم یک زن شکل گرفته و در آن مناسبات خونی یا اسنادیافته (پذیرش فرزند) به چشم می‌خورد و نوعی اشتراک مکانی و کارکردهای گوناگون شخصی، جسمانی، اقتصادی تربیتی و نظیر آن دارد. (رضایی آغویی، ۱۳۹۱، ص ۱۷) خانواده محل تلاقی و تعادل ابعاد وجودی زن و مرد است؛ زیرا هم

۱. دانش‌پژوه کارشناسی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ص العالمیه، گینه.

۲. مدرس گروه علمی-تربیتی مطالعات زنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه المصطفی ص العالمیه، ایران.

تأمین‌کننده نیازهای روحی و عاطفی آنهاست و هم تقویت‌کننده و زمینه‌ساز بروز و ظهور استعداد‌های همسران و زنده‌شدن روحیه تعاون و ایثار در آنهاست. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم: ۲۱). براساس این بینش قرآنی، خانواده نشانه‌ای از رحمت، عطوفت و حکمت الهی است. خانواده مهمترین قسمت یک جامعه است و اگر درست عمل کند نتیجه آن در جامعه بسیار تأثیرگذار خواهد بود. بنیان خانواده عاملی اثربخش در تحکیم ساختار و روابط افراد در جامعه است و ارتباط اعضای آن باید براساس رحمت، مودت و به‌ویژه رابطه قلبی و عاطفی میان زن و شوهر باشد. رمز و راز تأکید شدید اسلام بر ازدواج نیز در همین نکته نهفته است. در فرمایش حضرت رسول ﷺ ازواج به عنوان محبوب‌ترین بنیان نزد خداوند است. همچنین خانواده مانند یک پیکر زنده، اجزای مختلفی دارد که زن و مرد اعضای اصلی این پیکرند و هر یک با ایفای نقش خاص خود زمینه سلامت و پویایی جامعه را فراهم می‌کنند. در اسلام زن نقش مهمی در استحکام خانواده دارد. برای همین باید نقش زن در استحکام خانواده اسلامی شناخته شود؛ زیرا اگر خانواده ثبات و استحکام داشته باشد باعث پیشرفت و ترقی جامعه به سمت کمالات می‌شود و رابطه و تعامل دو سویه در این میان برقرار است. سؤالی که محقق در این مجال به‌دنبال پاسخ به آن است این است که زن در استحکام خانواده اسلامی چه نقشی دارد؟

در تحقیق حاضر سعی بر آن است که نقش زن در استحکام خانواده اسلامی، جایگاه خانواده در اسلام، مهمترین عوامل استحکام خانواده و تأثیر و نقش زن در استحکام خانواده بر فرزندان بررسی شود تا بتوان از این طریق در جهت استحکام خانواده‌ها قدمی هر چند ناچیز برداشت. امروزه ریشه بسیاری از مشکلات جامعه نشأت گرفته از خانواده‌هاست و اگر خانواده اصلاح شود جامعه نیز اصلاح می‌شود. بنابراین، تحقیق حاضر به‌دنبال نیل به عوامل استحکام بیشتر خانواده و بررسی نقش زن در فرایند استحکام خانواده است.

۲. جایگاه خانواده در اسلام

۲-۱. اهمیت و ضرورت خانواده

خانواده اصلی‌ترین پایگاه رشد و شکوفایی شخصیت و پرورش مهارت‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان مانند حلقه‌های زنجیر اجتماع انسان‌ها، اساسی‌ترین سهم را در سلامت و اعتلای جوامع بشری بر عهده دارد. خانواده با پیمان ازدواج بین زن و مرد آگاه و برخوردار از بلوغ فکری پایه‌گذاری می‌شود و زوجین، ستون اصلی حیاتی‌ترین نهاد اجتماعی یعنی، خانواده را تشکیل می‌دهند. بنابراین، سلامت و سعادت جامعه به سلامت و پویایی نظام خانواده وابسته است و سلامت و تعادل و تعالی نظام خانواده نیز به کیفیت روابط زن و شوهر و همچنین والدین و فرزندان بستگی دارد. هر قدر روابط بین همسران بهتر و سالم‌تر باشد زندگی شیرین‌تر و باصفا تر می‌شود و فرزندان پرنشاط و موفق‌تری تربیت می‌شوند و هر چه روابط بین والدین و فرزندان گرم‌تر و نزدیک‌تر باشد بهداشت روانی فردی و خانوادگی بیشتر می‌شود. بدون تردید کودکان اولین تجربه ارتباط اجتماعی‌شان را از پدر و مادر می‌آموزند، اما پدران و مادران می‌دانند که سال‌ها قبل از آنکه کودکانشان از طریق تقلید چشمی از رفتار آنان الگو بگیرند در دوران جنینی تحت تأثیر ویژگی‌های شخصیتی و کلام و گفت‌وگوی ایشان قرار گرفته‌اند. پایه‌های اساسی رشد شخصیت کودکان و نوجوانان از طریق تقلید در وجود آنان نهادینه می‌شود و این شیوه تقلید بیش از آنکه تقلید بصری باشد، تقلید شنیداری است؛ یعنی آنگاه که جنین چهارماهه می‌شود و قدرت شنیدن و درک صدا را به وضوح پیدا می‌کند شخصیتش از طریق شنیدن کلام مادر، سخن پدر و گفت‌وگوهای میان آنان شکل می‌گیرد. زمانی که کودک متولد می‌شود در صورتی که نیازهای زیستی، عاطفی و اجتماعی او به‌گونه‌ای شایسته تأمین شود به پدر و مادر خویش دلبستگی پیدا می‌کند و چنین رابطه دوستانه‌ای، پایه‌های اولیه رشد سالم شخصیت اجتماعی وی را تشکیل می‌دهد.

چگونگی ارتباط والدین با کودک، الگوی ارتباطات اجتماعی برای وی است و براساس آن به داوری درباره شخصیت بزرگسالان می‌نشیند؛ یعنی اگر پدر را خشن و پرخاش‌گر یابد و یا مادر را گوشه‌گیر و منفعل پندارد، تصور می‌کند که همه مردان و زنان چنین هستند. بنابراین، تمایلات کودکان برای برقراری ارتباط با معلمان و همسالان در مدرسه و دیگر بزرگسالان جامعه بر مبنای همین پنداشت‌های اولیه شکل می‌گیرد. به‌طور کلی کودکانی که از ارتباط با پدر و مادر خود در محیط خانه رضایت نداشته باشند با

عقده‌های ناشی از ناکامی وارد مدرسه می‌شوند و احساس می‌کنند معلمان هم مانند پدر و مادرشان هستند. بنابراین، رفتار گوشه‌گیرانه، پرخاشگرانه و حتی عصبانی پیدا می‌کنند. به عکس آن دسته از کودکان و نوباوگانی که نیازهایشان در خانواده مورد توجه جدی پدر و مادر است و از ارتباط با ایشان لذت برده‌اند و از پدر و مادر خویش کلام تحقیرکننده، تهدیدآمیز و پرخاشگرانه نشنیده و رابطه صمیمی و گرم با آنان داشته‌اند با آرامش خاطر وارد مدرسه می‌شوند و علاقه‌مندند چنین ارتباطی را بار دیگر با دوستان و همکلاسی‌های خود در مدرسه برقرار کنند و از آن لذت ببرند. کودکان تشنه ارضای نیازهای عاطفی و اجتماعی خویش هستند. به همین دلیل وقتی با تجربیات خوشایندی از ارتباط با والدین خود وارد مدرسه می‌شوند ارتباط سالم‌تری با دیگران برقرار می‌کنند که این امر به‌ویژه در روزهای نخستین و ماه‌های اولیه ورود به مدرسه بسیار حساس و تعیین‌کننده است؛ زیرا سازش‌یافتگی‌های خانوادگی و اجتماعی بیشترین تأثیر را در پیشرفت تحصیلی کودکان مستعد دارد. (حسینی، ۱۳۹۱، ص ۴)

محیط خانواده اولین و بادوام‌ترین عامل در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان، زمینه‌ساز رشد جسمانی، اخلاقی، اجتماعی، عقلانی و عاطفی است. نهاد خانواده از عمومی‌ترین نهادهای اجتماعی است که در تمام جوامع وجود دارد و مهم‌ترین تکیه‌گاه و محور زندگی اجتماعی است. در حقیقت فرد در خانواده متولد می‌شود، در سازمان خانواده زندگی می‌کند، در مواقع نیاز به خانواده روی می‌آورد و در پرتو زندگی خانوادگی سکون و آرامش می‌یابد. (صافی، ۱۳۸۶، ص ۷) رایج‌ترین و بهترین نظریه اندشمندان و ادیان به‌ویژه دین اسلام برای پاسخ به نیاز انسان به جنس مخالف ارضای آن در قالب ازدواج است. ازدواج کارکردهای فراوانی دارد مانند تکامل شخصیت، تجربه همسرشدن و پس از آن پدر یا مادر شدن که نوعی کمال شخصیت است. فرد بر اثر این دو تجربه، دیگران را بخشی از خود احساس می‌کند که این نوعی توسعه خود است. شهید مطهری می‌فرماید: «ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج وقتی می‌خواهیم کار کنیم برای من تنها نیست. آن من تبدیل به ما می‌شود به طوری که انسان به سرنوشت خانواده علاقه‌مندتر است تا به سرنوشت شخص خودش و رنج می‌برد تا آنها در آسایش باشند. این یک درجه از خود است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۳، ص ۵۹).

۲-۱. جایگاه خانواده در قرآن و روایات

از نظر اسلام خانواده بنیادی مقدس است که بسیاری از رفتارهای خانوادگی در آن مانند عبادت است، حتی بعضی از آنها در شرایط خاص محبوب‌تر از برخی عبادت اعلام شده است. همه این

امور به تقدس و معنویت ازدواج اشاره دارد و فرد را تشویق می‌کند تا مسئولیت‌ها و رفتارهای خانوادگی را وظیفه دینی خود بداند و امور زندگی دنیوی را در مسیر تکامل معنوی و اخروی قرار دهد. (سالاری فر، ۱۳۹۶، ص ۲۸) پیامبر ﷺ می‌فرماید: «هر کس ازدواج کند نیمی از دین خود را حفظ کرده است» و «دو رکعت نماز فردی که ازدواج کرده با ارزش‌تر از هفتاد رکعت نماز ازدواج نکرده‌هاست». اسلام برای تحقق ازدواج و تحکیم آن بر ایمان و اخلاق تأکید می‌کند. مهمترین هدف ازدواج تأمین نیازهای انسانی و آرامش و سکون و انس زن و مرد، لذت‌جویی‌های مشروع جنسی و تولید و تربیت فرزند در راستای اهداف انسانی است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱). مودت، توجه به نقاط مثبت یکدیگر است و سپاس‌گزاری از نعمت وجود یکدیگر است. رحمت، دلسوزی در برابر نقصان دیگری و چشم‌پوشی از عیوب او است. خداوند می‌فرماید: «...هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...؛ لباس عیوب را می‌پوشاند و بر زیبایی می‌افزاید... آنها لباس شما هستند؛ و شما لباس آنها (هر دو زینت هم و سبب حفظ یکدیگرید...» (بقره: ۱۸۷). لباس نگهبان فرد است. ایمان و دلسوزی کانون خانواده‌ها را از طلاق و فروپاشی در امان نگه می‌دارد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنَهُمْ خَلْقًا وَخِيَارَكُم خِيَارَكُم لِنِسَائِهِمْ». خانواده خارج از مدار ازدواج قراردادی و رسمی از نظر تمام ادیان الهی و مکاتب اخلاقی مطرود است چون با فطرت آدمی مغایر است. رهبانیت مسیحیت در اسلام نفی شده است. ادیان الهی سلامت جامعه را در گرو سلامت خانواده می‌دانند (رضایی آغویی، ۱۳۹۱، ص ۲۰).

در تأسیس خانواده براساس مهر و رأفت و گرایش و جاذبه، اصل زن است و از نظر مدیریت، تأمین هزینه، تعهد کارهای اجرایی و سرپرستی و دفاع از حوزه تدبیر خانواده، اصل مرد است. (جوادی آملی، ۱۳۹۶) «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» (نساء: ۳۴). همچنین اسلام به گواهی آیات و روایات متعدد کوشیده است نگرش دین‌مدارانه به ازدواج و زندگی خانوادگی را در میان مردم گسترش دهد و این مدعا از تعبیر متون دینی با دلالت‌های صریح یا تلویحی استفاده می‌شود. نهاد خانواده همواره از طریق تولید مثل، بقای نسل بشر را تضمین کرده است. قرآن کریم براساس آیه شریفه: «جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ...؛ و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [بوسیله همسران] زیاد می‌کند...» (شوری: ۱۱) یکی از دلایل آفرینش انسان‌ها و چهارپایان

به صورت جفت‌های متشکل از مذکر و مؤنث را تولید مثل و تکثیر و پراکندگی آنها در پهنه گیتی می‌داند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی؛ ازدواج سنت من است، پس هر کس از سنت من روی گرداند از من نیست». آن حضرت همچنین می‌فرماید: «ما من شیء احب الی الله عزوجل من بیت یعمر فی الإسلام بالنکاح و ما من شیء ابغض الی الله عزوجل من بیت یخرب فی الإسلام بالفرقة؛ الطلاق نزد خداوند هیچ چیز از خانه‌ای که به واسطه ازدواج آباد می‌شود محبوب‌تر نیست و هیچ چیز از خانه‌ای که به واسطه طلاق از هم می‌پاشد، مبعوض‌تر نیست» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ۲۸۸/۳).

۳. مهمترین عوامل استحکام خانواده

۳-۱. ایمان به خدا

مهمترین اعتقادات دینی، ایمان به خدا و یکتاپرستی است. توحید و خداپرستی موجب می‌شود نگرش فرد به زندگی انسان و تمام هستی، هدف‌دار و معنادار باشد و در رفتارها با انسجام، وحدت رویه و آرامش عمل کند. باور به خدا همه رفتارها و زندگی خانوادگی را به یک سمت یعنی، کسب رضایت خداوند سوق می‌دهد. فردی که خدا را ناظر و همراه خود می‌بیند، سعی می‌کند در برخورد با اعضای خانواده و انجام وظایف خانوادگی رضایت خداوند را مدنظر داشته باشد. توجه به عدالت خداوند و اینکه هیچ ظلمی را روا نمی‌دارد و حق هیچ موجودی را ضایع نمی‌کند زمینه شناخت دیگری برای کنترل رفتار اعضای خانواده است. هرچه این حالت قوی‌تر باشد مشکلات افراد کمتر است. بنابراین، برای حل مشکلات خود به ناظر و داور بیرونی نیاز نخواهند داشت. توجه به صفات خداوند مانند رحمت و مهربانی گسترده، توانایی نامحدود، حمایت، کفایت و بی‌نیازی او از مخلوقات از جمله انسان آثاری مثبت در زندگی افراد دارد. عطوفت و رحمت اعضای خانواده نسبت به هم که شعبه‌ای از تجلی رحمت خداوند است، پیش‌گیرنده و گشاینده بسیاری از مشکلات است. توکل بر خداوند یعنی، اعتماد و تکیه بر قدرت او در همه امور زندگی از آثار ایمان به خداست. انسان مؤمن اداره جهان و همه تغییر و تحولات هستی را در تصرف خداوند و در احاطه اراده او می‌داند. (سالاری‌فر، ۱۳۹۶، ص ۶۹)

۳-۲. محبت به اعضای خانواده

یکی از احتیاجات اساسی انسان احتیاج به محبت است و آدمی در هر مرحله و سنی از حیات خویش دوست دارد که دیگران او را دوست بدارند و او نیز از آنها محبت ببیند. ازدواج عامل مهمی در برقراری دوستی زن و شوهر و ابراز مهر و محبت به یکدیگر است. همچنین محبت کردن و محبت دیدن نیز رضایت خاطر پدید می‌آورد و تعامل روانی همسران را ممکن می‌سازد. اثر محبت و تبدیل آن به عشق و همبستگی عمیق روانی و عاطفی پیوند همسری را تحکیم می‌بخشد و فضای خانواده را به فضایی گرم و صمیمی و بالنده مبدل می‌کند. (صافی، ۱۳۸۶، ص ۱۹)

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند» (روم: ۲۱). قال رسول الله ﷺ: «ان الرجل اذا نظر الى امرأته ونظرت اليه نظرالله تعالى اليهما نظر الرحمه؛ وقتی مرد به زن خود با محبت می‌نگرد و زنش به او با مهر نگرد خداوند به دیده رحمت بر آنها می‌نگرد» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۷۸). قال الصادق عليه السلام: «العبد كلما ازداد للنساء حبا ازداد في الإيمان فضلا؛ هرگاه عشق و علاقه مردی به همسرش زیاد شود بر ایمان او افزوده می‌شود» (صدوق، ۱۴۱۳، ۳/۳۸۴). قال رسول الله ﷺ: «من قبل ولده كتب الله عزوجل له حسنة ومن فرحه، فرحه الله يوم القيامة؛ هر کس فرزندش را بیوسد خداوند برای او حسنه می‌نویسد و کسی که فرزندش را شاد کند خداوند در روز قیامت او را شاد می‌سازد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۶۷۶).

۳-۳. شادی و خوشی

خنده یک تخلیه عاطفی و دفاعی برای بشر است. البته خنده باید به‌جا باشد. منظور این نیست که برای مثال خانم در کوچه و محله با صدای بلند شروع به خندیدن کند بلکه باید در کنار خانواده با همسر و بچه‌های خود زمانی را برای شادی و خنده در نظر بگیرد؛ زیرا شادی درمانی برای نجات از گرفتاری‌هاست. برخی افراد فکر می‌کنند هرچه بد اخلاق‌تر باشند کارشان بهتر پیش می‌رود در صورتی که سخت در اشتباه هستند. خدا در عظمت پیامبر ﷺ می‌فرماید: «این اخلاق خوب تو بوده است که توانسته است مردم دوره جاهلیت را به‌سوی خود جذب کند.» (آل عمران: ۵۹) در هر صورت خنده و شادی تأثیر بسیار عظیمی بر سیستم بدن دارد، ترشحات

زیان بار فشارهای عصبی را کاهش می‌دهد و بهترین قوت قلب برای خود و خانواده است. یک‌بار خندیدن برابر با ده‌ها دقیقه ورزش است (میرزاییگی، ۱۳۸۹، ص ۱۳).

۳-۴. مدیریت اقتصادی خانواده

نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه سلامت و امنیت جسمانی و روانی فرد را تأمین می‌کند از نیازهای اساسی انسان است. پس از تشکیل خانواده، اعضای آن نیازمند برنامه‌ریزی صحیح برای تأمین این نیاز هستند. قوانین اسلامی و ملی مسئولیت تأمین مخارج زندگی را بر دوش شوهر نهاده است. بنابراین، مردان باید در جهت کسب درآمد و مدیریت صحیح اقتصاد خانواده بکوشند. از سوی دیگر زنان نیز باید تلاش اقتصادی همسر خود را پاس بدارند و با شغل او سازگاری داشته باشند؛ زیرا به‌دست آوردن شغل مناسب و حفظ آن دشوار است. حمایت زن از شوهر در امر اشتغال در تقویت توانایی‌های او تأثیر بسزایی دارد. در غیر این صورت انگیزه مرد کم می‌شود و چه بسا به‌دلیل علاقه به همسر خود به مشاغل ناهمخوان با تخصص خود یا شغل‌های نامشروع روی می‌آورد که در هر صورت اقتصاد خانواده آسیب می‌بیند. افزون بر این زنان با مدیریت مصرف در خانواده و نیز آموزش شیوه مصرف صحیح به فرزندان سهم مهمی در ایجاد آرامش و آسایش خانواده دارند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴)

۳-۵. صبر و تحمل

مقاومت و ایستادگی در ازدواج به معنی ماندن در وضعیت ثابت در زندگی است. وقتی انسان دچار تنش می‌شود به این نتیجه می‌رسد که بهتر است با راهکارها و راه‌حل‌های این دنیا هماهنگ نباشد و از فرامین الهی پیروی نکند. ایستادگی در زندگی زناشویی شاید به ظاهر ساده باشد، اما با تمام خواسته‌های انسان مغایرت دارد. باید دانست که محبوبه صبور است، محبوبه مهربان است، حسود نیست، اغراق نمی‌کند، مغرور نیست، گستاخ نیست، خودخواه نیست، به‌راحتی عصبانی نمی‌شود، اشتباهات را به یاد نمی‌سپارد، به‌دنبال حقیقت است و از شر و مکر شیطان شاد نمی‌شود، همیشه حقیقت را می‌گوید، امیدوار است، بدین ترتیب است که صبر و استقامت و ایمان باقی می‌ماند و عشق در والاترین مقام قرار می‌گیرد چون صبر و استقامت والاترین زیرشاخه‌های عشق هستند. (روتن باخ، ۱۳۹۴، ۵۳) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الصبر رأس الإیمان؛ شکیبایی سر ایمان است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۸۷/۲). صبر مهم‌ترین صفت

از فضایل اخلاقی و نجات‌دهنده از مشکلات است و در اسلام صبرکردن رکن اصلی ایمان شمرده می‌شود.

۳-۶. عفو و گذشت

گذشت و عفو شرط اصلی استمرار و استحکام پیوند زناشویی و بقای خانواده از سوی هر یک زوجین است. بنابراین، آنها باید تلاش کنند تا سخت‌گیر نباشند، از خطاهای یکدیگر بگذرند و کاستی‌های یکدیگر را صبورانه تحمل کنند. این نکته به‌ویژه به شوهران توصیه شده است که: «با زنان خود با نیکی و مهربانی معاشرت کنید و از بی‌عدالتی و خشونت بپرهیزید» (به‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۴۶). خداوند می‌فرماید: «... وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ...» و از خطای مردم درمی‌گذرند؛ و خدا نیکوکاران را دوست دارد» (آل عمران: ۱۳۴). زن و مرد هر دو مسیر زندگی مشترک دچار اشتباه می‌شوند و هر کدام باید با گذشت از خطاهای طرف مقابل فضای گرم و صمیمی خانواده را حفظ کند. آنها با عفو و گذشت، محبوب خداوند متعال خواهند شد (شعبانی، ۱۳۹۳، ص ۹۶).

۳-۷. پرهیز از سوء ظن و بدبینی

براساس سوء ظن و گمان بد نمی‌توان در ازدواج و زندگی خانوادگی موفق بود و ارتباط سالم برقرار کرد. اگر موضوع یا مسئله‌ای ذهن زن و شوهر را به خود مشغول کرده است باید آن را به‌صراحت و صادقانه مطرح کنند و درستی یا نادرستی‌اش را بررسی کنند. برای مثال «امروز خسته به نظر می‌رسی، چرا؟» «چه‌طور شد که این حرف را زدی یا این کار را کردی؟» همواره زن و شوهر باید اعتمادسازی کنند و با مثبت‌نگری یکدیگر را به صبر و بردباری دعوت کنند. از این‌رو زن و شوهر یا شوهر و زن هر دو وظیفه دارند زمینه‌های بروز سوء تفاهات و سوء ظن‌ها را از بین ببرند و از انجام رفتارهایی که موجب بروز سوء تفاهات و سوء ظن‌ها می‌شود، خودداری کنند (به‌پژوه، ۱۳۸۸، ص ۵۰).

۳-۸. پرهیز از کینه‌توزی

کینه‌زدایی یکی از آثار گشاده‌رویی است. برطرف کردن کینه‌هایی که به‌تدریج در فرد نفوذ کرده‌اند کاری بسیار دشوار و گاهی ناممکن است، اما مواجه‌شدن با روی گشاده‌داری مؤثری است که کینه‌های سخت و دیرینه را به‌راحتی از بین می‌برد. (حسین‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۳۳) امام

کاظم علیه السلام در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «خوش‌رویی، کینه را می‌زداید» (کافی، ۱۴۰۷، ۱۰۴/۲).

۳-۹. احترام متقابل

اساس و پایه تحکیم خانواده، محبت و احترام متقابل زوجین است. این احترام طرفینی پیوند اعضای خانواده را مستحکم‌تر می‌کند و مانع فروپاشی نظام خانواده می‌شود. امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیهما السلام با پی‌ریزی کانون خانواده بر احترام متقابل این فضای آکنده از محبت را این‌گونه ترسیم کرده‌اند: «به خدا سوگند من هیچ‌وقت او را غضبناک نکردم و بر هیچ کاری او را مجبور نساختم تا اینکه فاطمه علیهما السلام به شهادت رسید و فاطمه نیز هیچ‌گاه مرا خشمناک نکرد و هیچ زمان از کاری که به او گفتم نافرمانی نکرد و هر وقت به او نگاه می‌کردم تمام غم و غصه‌ها از دلم برطرف می‌شد» (اربلی، ۱۳۸۱، ۳۶۳/۱). همسران باید خود را عادت دهند در هر شرایطی چه خوشحال چه ناراحتی و نارضایتی، چه خشم و دلخوری نسبت به همسر رفتارشان از چارچوب احترام و حفظ حرمت طرف مقابل خود خارج نشود (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۶، ص ۴۹). در اسلام افزون بر سفارش به ارتباط صمیمی و احترام به همسر درباره ضرورت ارتباط مؤثر با خانواده خود چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج نیز توصیه‌هایی شده است. خداوند در قرآن بارها بر نیکی کردن و احترام به پدر و مادر سفارش کرده و احسان به والدین را پس از امر به پرستش خود امری ضروری شمرده است (بقره: ۸۳؛ نسا: ۳۶).

۳-۱۰. تولید نسل

داشتن فرزند به زندگی زن و شوهر طراوت و زیبایی و نیز شادابی و استحکام می‌بخشد. نیروی آفرینندگی و جنبه‌های گذشت را بر آنها قوی می‌سازد. تولید فرزند موجب پدید آمدن احساسات متقابل و نشاطی دیگر برای زوجین است. آنها که به طمع بهره‌مندی بیشتر از زندگی سال‌های اول ازدواج و دوری از مزاحمت کودک از تولید نسل جلوگیری می‌کنند پس از اندک مدتی درمی‌یابند که زندگی‌شان طراوت و شادابی نداشته و به سردی می‌گراید. رابطه طرفین در خانه مصنوعی و برخوردها بسیار خشک می‌شود. داشتن فرزند روابط را غنی‌تر و دوام زندگی را بیشتر می‌کند. (بیابانگرد، ۱۳۸۷، ص ۱۲۹)

۳-۱۱. مشورت با یکدیگر

یکی از عوامل استحکام خانواده مشورت است. مشورت با یکدیگر در خانواده باعث احترام و صمیمیت بین اعضای خانواده می‌شود و فرزندان اعتماد به نفس و احساس مسئولیت پیدا می‌کنند، استعداد و خلاقیتشان بالا می‌رود. خانواده‌ای که با هم دیگر مشورت می‌کند، همکاری و همدلی بین اعضای خانواده بیشتر می‌شود. فرد مشورت‌کننده به‌طور غیر مستقیم شخصیت شخص متقابل را تأیید می‌کند و به‌طور عملی به او می‌فهماند که تو مورد اعتماد و اطمینان من هستی. کانون خانواده مکانی است که عواطف و احساسات باید در آنجا رشد و بالندگی پیدا کنند، مرد احساس شخصیت کند، زن مورد احترام قرار گیرد و فرزندان، محبت و نوازش ببینند، وجود مشورت در خانواده می‌تواند بستر ایجاد این فضا را در خانه فراهم کند. مشورت در خانواده سبب از بین رفتن اختلافات و ایجاد آرامش در زندگی خانوادگی می‌شود. (آقای افشار، ۱۳۹۵، ص ۱۶۷) امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هر کس مستبد به رای شد به هلاکت رسید و هر که با مردم مشورت کرد خود را شریک عقل آنان نمود» (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۳۴۳). «هیچ پشتیبانی محکم‌تر از مشورت نیست» (انصاریان، ۱۳۸۸، ص ۳۲۷) قرآن کریم برای اینکه اهمیت مشورت را به همگان گوشزد کند به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستور می‌دهد با مسلمانان مشورت کند و بعد از مشورت تصمیم‌گیری کند (آل عمران: ۱۵۹).

۴. نقش زن در استحکام خانواده اسلامی

۴-۱. شوهرداری

شوهرداری کار آسانی نیست که از هر زنی ساخته باشد بلکه نیازمند کاردانی، ذوق، سلیقه و زیرکی مخصوصی است. خداوند حکیم، قدرت زیادی به زن عطا کرده است. او می‌تواند با شوهرداری خوب، خانه را به محیطی بهشت‌گونه بدل کند و نیز می‌تواند آن را به‌صورت جهنمی سوزان درآورد. او می‌تواند شوهرش را به اوج ترقی برساند و نیز می‌تواند به خاک سیاه بنشاند. (شعبانی، ۱۳۹۳، ص ۷۴) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خوب شوهرداری زن، جهاد او محسوب می‌شود و پاداش جهادگر را دارد» (کافی، ۱۴۰۷، ۹/۵).

۴-۲. تمکین

یکی از گرایز مهم و حیاتی انسان غریزه جنسی است و ازدواج وسیله‌ای برای ارضای صحیح این غریزه و جلوگیری انسان از انحراف و آلودگی است. در منطق اسلام ارضای این غریزه در خانواده برای مرد جز در موارد ممنوعه و عذر شرعی همسر منع نشده است و زن موظف است در هیچ شرایطی ممانعت نکند و ادای حق شوهر را به عناوین مختلف به تأخیر نیندازد و حتی مسئولیت زمینه‌سازی برای این عمل را نیز بپذیرد. (صافی، ۱۳۸۶، ص ۵۹) در روایات از رسول الله ﷺ آمده است: «لعن الله المسوفات التي يدعوهن زوجها الى فراشه، فتقول: سوف حتى تغلبه عيناها؛ خدا ممانعت‌گر را لعنت کند؛ یعنی زنی که شوهر به بسترش خواند او گوید کمی بعد تا مرد خوابش ببرد (نهج الفصاحه، ۱۳۸۲، ص ۶۲۸).

۴-۳. جلب رضایت شوهر

زن هوشیار رشته محبت بین خود و شوهرش را هر روز محکم‌تر می‌کند و از ناسازگاری و کدورت می‌گریزد. رضایت شوهر ضامن استحکام این رشته و موجب انس و دلگرمی او است. مردی که از همسر خود راضی باشد خانه را محل آرامش خود می‌بیند و به دنبال کارهای بیهوده و خلاف نمی‌رود. جلب رضایت شوهر عوامل گوناگونی دارد که زن با دقت و هوشیاری آن را می‌یابد. زن باایمان باید شوهرش را بر همه مردان عالم ترجیح دهد و تمام تلاشش را برای رضایت او به کار گیرد و بداند بهترین کسی که می‌تواند روز قیامت از او شفاعت کند، شوهرش است. رسول گرامی اسلام ﷺ فرمود: «اگر بنا بود به کسی دستور دهم انسانی را سجده کند؛ یعنی اگر سجده برای غیر خدا جایز بود به زنان دستور می‌دادم شوهرانشان را سجده کنند» (صفار، ۱۴۰۴، ۳۵۲/۱). در روایتی دیگر می‌فرماید: «بهترین زنان شما آن زنی است که وقتی از دست شوهرش خشمگین شود یا شوهرش از دست او خشمگین شود رو به شوهر کند و بگوید دستم را در دست تو می‌نهم و خواب را به چشم خویش راه نمی‌دهم تا وقتی که از من راضی شوی» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۳۸۹/۳).

۴-۴. اطاعت زن از شوهر

زن نمی‌تواند حق خدا را ادا کند مگر اینکه حق شوهرش را ادا کند. البته منظور نگارنده این نیست که شوهر همچون حاکم و ارباب عمل کند بلکه باید تفاهم و همدلی در منزل حاکم باشد

و مرد بداند تربیت صحیح فرزند در دستان همسرش قرار دارد و برای این منظور نیاز دارد که عواطف، محبت، بزرگواری و احساس شخصیت را درک کند، پس باید از جانب شوهر مورد عشق و محبت قرار گیرد تا با انجام وظایفی که خداوند بر عهده او گذاشته است خانه را به صورت بهشت برین در آورد تا پایگاه رشد افراد لایق و خلاق شود. زن خوش اخلاق و فهیم در زندگی مشترک با همسر خود باید زیباکلام، جذاب، خوش زبان و دارای زیبایی ظاهری و باطنی باشد و در برخورد با شوهر و فرزندان چنان عمل کند که هرگز مرد از ابزار حاکمیت و تندخویی استفاده نکند. (میرزابیگی، ۱۳۸۹، ص ۲۵) پیامبر ﷺ در این زمینه می فرماید: «هر زنی که شوهرش را با زبان بیازرد خداوند هیچ کار واجب و مستحب او را قبول نمی کند و هیچ کدام از کارهای نیک او مورد پذیرش قرار نمی گیرد تا وقتی که شوهر از دست او راضی شود» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۱/۴). از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «اذا صلت المرأة خمسا و صامت شهرا و اطاعت زوجها و عرفت حق علی فلتدخل من ای ابواب الجنة شئت؛ هر زنی که مرتب نمازهای یومیه اش را بخواند و روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد و از نظر اعتقادی ولایت مولا علی علیه السلام را درک کند و او را خلیفه اول رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بداند و از شوهرش پیروی نماید از هر در بهشت می تواند وارد شود» (کافی، ۱۴۰۷، ۵/۵۵۵). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «خیر النساء التي تسره اذا نظر و تطیعه اذا امر و لا تخالفه فی نفسها و لا مالها بما یکره؛ بهترین زنان کسی است که اگر شوهرش به او بنگرد، شادمانش بازد، اگر به او فرمان بدهد اطاعتش کند و با جان و مالش بر خلاف رضای شوهر رفتار نکند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۳۲۷).

۴-۵. خوش اخلاقی

زن وظیفه دارد در ارتباط با شوهر برخوردی گرم، توأم با صمیمیت و صداقت داشته باشد، تندی نکند و با زبان تلخ و انتقاد او را نرنجاند. همچنین گفتاری نرم و اخلاقی خوش داشته باشد. (صافی، ۱۳۸۶، ص ۵۸) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «حسن الخلق یثبت الموده؛ خوش خویی، دوستی و صمیمیت را استوار می کند» (شعبانی، ۱۳۹۳، ص ۳۷). زنی که اخلاق خوب، رفتار ملایم، لبخند و مهربانی داشته باشد به راحتی می تواند دل شوهر را تسخیر کند و آرامش را برای تمام اعضای خانواده ایجاد کند. حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام می فرماید: «جهاد زن، خوش رفتاری با شوهر است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۹/۵).

۴-۶. عفت و چشم‌پوشی از غیر

«...وَلَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...»؛ ... و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود...)» (نور: ۳۱).

یکی از وظایف اساسی زن که هم از نظر حساسیت و نیاز روحی شوهر مهم است و هم با توجه به موازین شرعی و اجتماعی باید آن را رعایت کرد عفت زن و حفظ خویش در مقابل افراد نامحرم و وفاداری کامل نسبت به شوهر است. در زندگی خانوادگی، کمال روحی شوهر، غیرت و کمال روحی زن عفت او است و این دو صفت در کنار یکدیگر خانواده را در درون به سوی وحدت روحی، صمیمیت و عشق بین زن و شوهر سوق می‌دهد و از آلودگی‌های اخلاقی خانواده و جامعه جلوگیری می‌کند. وظیفه اساسی خویشتن‌داری و عفت به‌عهده زن است و باید در زندگی مشترک حتی در روابط معمول با آشنایان و افراد فامیل که نامحرم هستند مورد توجه باشد (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

۴-۷. شاکر بودن و قناعت‌پیشگی

تأمین زندگی به‌عهده مرد است و گاه اتفاق می‌افتد که کمبودها و نارسایی‌هایی از این نظر در زندگی وجود دارد. اینکه زن در ضمن همراهی با شوهر برای بهبود وضع زندگی، روحیه شکر، قناعت و سپاسگزاری از آنچه در زندگی حاصل شده است، داشته باشد در بنای خانواده‌ای صمیمی و مستحکم بسیار مؤثر است (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

۴-۸. رازداری

مرد و زن همراز و همدم یکدیگرند و برای حفظ کانون گرم خانواده نباید اسرار یکدیگر را نزد دیگران فاش کنند و اعتماد و اطمینان و احترام بین خویش را از بین نبرند. فاش کردن راز یکدیگر روابط زن و شوهر و بنیان خانواده را تلخ می‌کند. (صدری، ۱۳۸۶، ص ۱۱۸).

۴-۹. بی‌اجازه از خانه خارج نشدن

زن شرعاً نمی‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود و بیرون آمدن او از خانه بدون اجازه شوهر موجب نقص در انجام امور و ناراحتی و بدگمانی است که بیشتر اوقات باعث ایجاد اختلال در نظام خانواده و پیدایش دشمنی میان زن و مرد می‌شود (صدری، ۱۳۸۶، ۱۱۹). عن النبی ﷺ: «ایما

امراً خرجت من بيتها بغير اذن زوجها فلا نفقه لها حتى ترجع؛ هرگاه زنی بدون اجازه شوهرش از خانه خارج شود هزینه و مؤونه او بر شوهرش نمی‌باشد تا اینکه به خانه‌اش برگردد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۵۱۴).

۴-۱۰. امانت‌داری (حفظ اموال شوهر)

همان‌گونه که وجود زن امانت‌خداست در دست مرد، اموال مرد هم امانت او است در دست زن. پیداست که خود زن هم از آن اموال استفاده می‌کند بلکه از آن جهت که او بیشتر در خانه است بیشتر از مرد استفاده می‌کند. بنابراین در حفظ و نگهداری آنها کوشش خواهد کرد. امام رضا علیه السلام فرمود: «ما أفاد عبد فائدة خيرا من زوجة صالحة إذا رآها سرته و إذا غاب عنها حفظته في نفسها وماله؛ هیچ کس فایده‌ای به‌دست نیاورده است که بهتر باشد از همسر شایسته‌ای که چون به او بنگرد، شاد گردد و چون از نزد او غایب شود عفت خویش و مال او را نگهدار باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۵/۳۲۷).

۴-۱۱. پرهیز از منت‌گذاری

زن نباید در مقابل کارهای نیک و وظیفه اخلاقی خویش در حق شوهرش منت بگذارد چون ارزش کار خود را در اثر منت‌گذاری از بین می‌برد. مولای متقیان علی علیه السلام درباره منت‌گذاری می‌فرماید: «منت‌گذاری، نیکوکاری را تباہ می‌کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۲۲). در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «هیچ منت‌گذاری وارد بهشت نمی‌شود» (حسین ابن سعید، ۱۴۰۲، ص ۹). کار خوب و ارزشمند در خانه آن است که بدون منت انجام گیرد و این کار بر زیبایی‌های زندگی می‌افزاید (صدری، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷).

۴-۱۲. خانه‌داری

خانه‌داری و تدبیر امور منزل گرچه از نظر حقوقی به عهده زن نیست، اما از نظر اخلاقی این وظیفه به عهده او گذاشته شده است. خانه‌داری مهمترین شغل زن است. متأسفانه خانم‌هایی که فقط به کار خانه‌داری مشغول هستند ارزش‌های واقعی خود و کارشان را نمی‌دانند. بسیاری از مردانی که شهرت و مقام بین‌المللی دارند فقط در اثر حسن تدبیر، اخلاق و لیاقت زنی خانه‌دار به اوج ترقی و پیشرفت رسیده‌اند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «أیما امرأة رفعت من بیت زوجها شیئا من موضع الی موضع ترید به صلاحا، نظر الله عزوجل إلیها و من نزل الله إلیه لم یعذبه؛ هر زنی که در خانه

شوهر خود به قصد مرتب کردن آن چیزی را جابه‌جا کند خداوند به او نظر لطف می‌کند و خدا به هر کس نظر لطف کند عذابش نمی‌دهد» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۴۱۱).

۵. نقش زن در تربیت فرزندان

۱-۵. تأثیر فردی مادر

۱-۱-۵. رشد جسمانی

زن نقشی ضروری در رشد و حیات فرزند دارد. وضعیت اجتماعی، اقتصادی خانواده با تغذیه و رشد جسمی فرزند ارتباط مستقیمی دارد. یکی از تأثیرات زن در رشد جسمی فرزند محبت است. محبت مادر می‌تواند رشد جسمی فرزند را تسریع کند. براساس بررسی‌های انجام‌شده از مهمترین عواملی که هنگام بیماری در درمان طفل مؤثر است مهر و محبت مادری است. نوازش‌های مادرانه به کودک جرأت می‌دهد و روحیه او را در برخورد با مشکلات و مصائب و از جمله بیماری‌ها قوی می‌کند و این خود یکی از عوامل تعجیل در بازیافتن سلامتی است. اگر این نیاز کودک ارضا نشود مشکلات بسیاری پدید خواهد آورد. مشکلات جسمی ناشی از کمبود محبت عبارتند از: پریدگی رنگ، ازدست‌دادن شادابی طبیعی، تنفس نامنظم و حتی ناراحتی‌های متعدد که منجر به اسهال و استفراغ در کودک می‌شود. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، ص ۲۳۱) امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الْحَزَنُ يَهْدِمُ الْجَسَدَ؛ اندوه بدن را متلاشی می‌کند» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۳۶۹/۲). پژوهشگران اثبات کرده‌اند که رشد کودکانی که در خانه تحت توجه و محبت افراد خانواده زندگی می‌کنند بهتر و سالم‌تر از اطفالی هستند که در پرورشگاه‌های عمومی پرورش می‌یابند. بنابراین، رابطه عاطفی مادر و کودک بر رشد جسمی فرزند تأثیر مستقیمی دارد (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۵۸).

۲-۱-۵. رشد عاطفی

مادر نقش مؤثری در رشد عواطف فرزندان برعهده دارد؛ زیرا فرزند بعد از نیاز زیستی و فیزیولوژیکی که زندگی بدون آن دشوار و گاهی غیر ممکن است نیاز به ارتباط عاطفی و پذیرش از جانب مادر و برخورداری از توجهات دارد. فرزند همواره باید احساس کند که مادرش او را دوست دارد و حامی او هست. همین محبت و توجه، محیط روانی آرام و قابل اعتمادی برای فرزند فراهم می‌کند که عامل عمده و مؤثری در رشد و تکامل عاطفی او است (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۲، ص ۴۷۹). امام صادق علیه السلام

می‌فرماید: «اكثر ما قبله اولادکم فان لکم بكل قبله درجه؛ «فرزند خود را بسیار ببوسید؛ زیرا برای شما در هر بوسیدن درجه‌ای است» (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ۳۶۹/۲).

۵-۱-۳. رشد اخلاقی

زن الگوی رفتاری و اخلاقی برای فرزند است. هر کار ریز و درشتی که انجام دهد در منش و نحوه رفتار او با دیگران تأثیر می‌گذارد. زن با رفتار الگویی خود، انسان می‌پروراند، فرزند را از عالم ناپاکی‌ها، حسدها، کینه‌ها و رذائل اخلاقی دور می‌کند و در دلش مهر و صفا و خیراندیشی نسبت به هم‌نوعان پدید می‌آورد. زن سرچشمه فضیلت‌ها و خوبی‌هاست. او در محیط خانه می‌تواند درس تقوا و خداترسی به فرزند دهد و از کودکی ضعیف و ناتوان، شخصیت بزرگ علمی و اخلاقی بسازد و تحویل جامعه دهد.

۵-۱-۴. رشد معنوی

فرزند بیش از هر کس با مادر تماس دارد. مفاهیم مذهبی را از او می‌آموزد و او را الگوی خود قرار می‌دهد. مادری که همراه فرزندش کارهای معنوی انجام می‌دهد و با او در فضاهای معنوی مثل مجالس دینی، دعا، توسل، عزاداری، ملاقات با شخصیت‌های معنوی و ... شرکت می‌کند این امر باعث تقویت معنوی فرزند شود.

۵-۲. تأثیر اجتماعی مادر

۵-۲-۱. رشد اجتماعی

برخودهای مادر با فرزند اولین محرکی است که زمینه‌های رشد اجتماعی را در کودک ایجاد می‌کند و در درازمدت آثار روانی خود را در او باقی می‌گذارد. بردباری در آموزش کودک اگر با کاردانی و درایت مادر همراه باشد نتیجه خوشایندی خواهد داشت. بنابراین، برخوردهای صحیح مادر در ایجاد ساختار شخصیت و روابط صحیح او با جامعه نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. روابطی که برای اجتماعی‌شدن و جامعه‌پذیری، هیچ کس از آن بی‌نیاز نیست. (سالاری‌فر، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵) امام صادق علیه السلام پس از اینکه مردم را به ورود در اجتماع سفارش می‌کند درباره علت آن چنین می‌فرماید: «تردید بی‌نیاست که شما به انسان‌ها نیازمند هستید. در واقع هر کس را که بنگری در زندگی‌اش از دیگران بی‌نیاز نیست. بنابراین، بعضی به بعضی دیگر محتاجند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۶۲/۲).

۲-۲-۵. موفقیت تحصیلی و شغلی

بزرگ‌ترین تجارب و یادگیری سازمان‌یافته در مدارس به فرزندان انتقال می‌یابد. مدرسه دانش‌ها و تجربه‌ها و مهارت‌هایی را به دانش‌آموزان خود یاد می‌دهد تا به کمک آنها سازگاری اجتماعی پیدا کنند و برای زندگی تحصیلی و شغلی آینده خود آماده شوند. نحوه برخورد والدین به‌ویژه مادر با مسائل تحصیلی فرزندان نقش مهمی در پیشرفت یا افت تحصیلی و مشکلات آموزشی و شغل آینده آنان دارد. مطالعات و بررسی‌های انجام‌شده درباره علل افت تحصیلی در مقاطع مختلف این حقیقت را بیان می‌کند که در بسیاری از موارد بچه‌ها با وجود اینکه بهره هوشی بسیاری دارند به دلیل شرایط عاطفی نامساعد و فقر انگیزش دچار بی‌اشتهایی تحصیلی شده از پیشرفت علمی مطلوب باز می‌مانند. برای ایجاد انگیزش بایسته در فرزندان، مادران لازم است در فضای دوستانه و خوش‌آیند با ایجاد نگرش مثبت در آنان برای فعالیت‌های آموزشی با مهر و محبت تلاش‌های آنان را ارج نهند؛ زیرا بچه‌ها بیش از دیگران نیازمند تشویق و ترغیب هستند.

۶. نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، روشن می‌شود که خانواده در اسلام اهمیت و جایگاه والایی دارد؛ اگر خانواده متعادل و با نشاط باشد، می‌تواند فرزندان قوی و با اعتماد به نفس و کاردان تربیت کند و باعث پیشرفت و ترقی جامعه به سمت کمالات شود. از سوی دیگر زن نیز در خانواده اهمیت و جایگاه والایی دارد. اگر زن در زندگی خانوادگی خویش با جلوه‌های همسرانه و مادرانه آرامش و نشاط و سرزندگی را به اعضای خانواده تزریق کند این رضایتمندی خانواده را مستحکم و پر قدرت می‌کند و فرزندان را مستقل، با انگیزه و صبور می‌کند. رشد اخلاقی، رشد معنوی، رشد اجتماعی، رشد و موفقیت تحصیلی، رشد عاطفی و رشد جسمانی فرزندان در این شرایط به شکل متعادل صورت می‌گیرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۰). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- * نهج‌البلاغه (۱۳۸۸). مترجم: انصاریان، حسین. قم: دارالعرفان.
- ۱. ابن ابی‌جمهور، محمد ابن زین‌الدین (۱۴۰۵). عوالی اللئالی. قم: دار سیدالشهدا.
- ۲. ابن بابویه، محمد ابن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳. اربلی، علی ابن عیسی (۱۳۸۱). کشف‌الغمه. تبریز: نشر بنی‌هاشمی.
- ۴. استادان طرح جامع آموزش خانواده، جوان و تشکیل خانواده (۱۳۸۶). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ۵. امیرحسینی، خسرو (۱۳۹۱). خانواده خوشبخت، فرزند موفق. تهران: انتشارات عارف کامل.

۶. آقای افشار، رضا، و خراسانی پاریزی، ابراهیم (۱۳۹۵). بررسی عوامل تحکیم خانواده از دیدگاه اسلام. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۷. به‌پژوه، احمد (۱۳۸۸). ازدواج موفق و خانواده سالم چگونه؟. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۸. بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۸۷). جوانان و ازدواج. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۹. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: انتشارات دنیای دانش.
۱۰. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴). دانش خانواده و جمعیت. قم: دفتر نشر معارف.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶). زن در آینه جلال و جمال. قم: نشر اسرا.
۱۲. حسین ابن سعید (۱۴۰۲). الزهد. قم: المطبعة العلمیه.
۱۳. حسین‌زاده، علی (۱۳۹۱). خانواده موفق ارتباط والدین و فرزندان. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۱۴. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۹). روان‌شناسی رشد. تهران: انتشارات سمت.
۱۵. رضایی آغویی، نصرت (۱۳۹۱). خانه آفتاب، راهکارهایی برای موفقیت خانواده طلاب. قم: انتشارات باران حکمت.
۱۶. روتن باخ، اس. جی (۱۳۹۴). چگونه زندگی مشترکان را حفظ کنیم. مترجم: اسلامی، نیره. تهران: اوحدی.
۱۷. سالاری، محمدرضا (۱۳۹۶). خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی. تهران: سمت.
۱۸. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۹۲). روان‌شناسی رشد. تهران: اطلاعات.
۱۹. شعبانی، اکبر (۱۳۹۳). راز خوشبختی زنان. قم: جوان.
۲۰. شیخ صدوق، محمد ابن علی (۱۳۷۶). امالی. تهران: کتابچی.
۲۱. شیخ صدوق، محمد ابن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. صافی، احمد (۱۳۸۶). خانواده متعادل و نامتعادل. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
۲۳. صدری مازندرانی، حسن (۱۳۸۶). هنر همسرمداری. قم: انتشارات میراث ماندگار.
۲۴. صفار، محمد ابن حسن (۱۴۰۴). بصائر الدرجات. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۲۵. فتال نیشابوری، محمد ابن احمد (۱۳۷۵). روضه الواعظین. قم: انتشارات رضی.
۲۶. کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۷. میرزاییگی، حسنعلی (۱۳۸۹). خانواده سالم. قم: توسعه قلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی